

یادداشت سردبیر

راهبردهای پرورش توانایی نوآوری

دکتر حمزه گنجی

در شماره‌های پیشین، درباره تعریف نوآوری و ویژگی‌های افراد نوآور بحث کردیم. در این شماره، به دو مورد از راهبردهایی اشاره می‌کنیم که توانایی نوآوری را افزایش می‌دهند. اولین راهبرد مورد نظر، بدترین حالت ممکن است که می‌توان آن را چنین خلاصه کرد: وقتی شخص در مقابل مسئله‌ای قرار می‌گیرد، از خود می‌پرسد که اگر چنین کاری را انجام یا چنین نظری را ارائه دهم، بدترین حالتی که ممکن است اتفاق بیفتد، کدام است؟ این جاست که شخص باید اراده به خرج بدهد، نظر خود را اعلام کند یا راه‌حلی را که به ذهنش رسیده است، ادامه دهد برای مثال، کپرنیک از خود پرسیده بود: «اگر زمین به دور خود بچرخد و در همان زمان به دور خورشید نیز بچرخد، ممکن است چه اتفاقی بیفتد؟» یا اینشتین از خود پرسیده بود: «اگر بگویم جهان به شکل بیضی است، ممکن است چه اتفاقی بیفتد؟» یا اگر شخصی بگوید که تفکر انسان مجموع فرآیندهای زیستی مغز به علاوه روابط اجتماعی او با محیط است، امکان دارد چه مسئله‌ای پیش بیاید؟ وقتی انسان کار خود را از دست می‌دهد، بدترین حالتی که ممکن است اتفاق بیفتد، کدام است؟

البته گام برداشتن برخلاف افکار و رفتارهای سنتی و کلیشه‌ای کار آسانی نیست. معمولاً نوع تعلیم و تربیت، چه در خانواده و چه در مدرسه، به گونه‌ای است که کودکان، راه‌های از پیش تعیین شده‌ای را ادامه می‌دهند و در مورد آن‌ها چون و چرا نمی‌کنند. پیروی از سنت‌ها و انعطاف‌پذیری، گاهی آن قدر شدید است که در مورد مفید بودن راهبردها، چنین تردیدی به خود راه نمی‌دهیم. با این همه، می‌توان چارچوب‌ها را گسترده‌تر و دور و بر را دقیق‌تر دید. برای این کار، بهتر آن است همیشه دو مورد زیر را مدنظر داشته باشیم.

۱. اگر کاری در گذشته هرگز انجام نشده است، به این معنی نیست که حالا نیز نمی‌توان آن را انجام داد.

۲. اگر کسی به ما بگوید که نباید فلان کار را انجام دهید، به مفهوم آن نیست که نمی‌توانیم آن کار را انجام دهیم و اگر انجام دهیم، آسمان به زمین نمی‌آید و فاجعه‌ای برپا نخواهد شد. وقتی بدترین حالت را برای خود مجسم کردیم، باید خود و کلیه عناصر مربوط به آن را تحلیل کنیم و با جرئت دست به کار شویم.

راهبرد دوم، شبیه‌سازی است. بدین سبب گاهی لازم می‌شود انسان برای نوآوری دست به شبیه‌سازی بزند. درست مثل کاری که کودکان که در بازی‌های روزانه انجام می‌دهند. سودمندی راهبرد شبیه‌سازی آن است که از تثبیت و انجماد ذهنی جلوگیری می‌کند. واقعیت این است که در برخی موارد، دشوارترین کار در مقابل یک مسئله، الزاماً نوآوری یا کشف راه‌های تازه نیست؛ بلکه خارج شدن از قالب‌های ذهنی قدیمی است. در چنین شرایطی، باید به این فکر افتاد که تنها یک راه حل وجود ندارد و حتماً کشف راه حل‌های دیگری نیز امکان‌پذیر است. این جاست که حل مسئله تازه تا اندازه‌ای به بازی شبیه‌سازی تبدیل می‌شود. از این راهبرد برای ساختن الگوهایی که با الگوهای قبلی تفاوت دارد، استفاده می‌شود.

همه مسائل و همه تمرین‌هایی که معلمان به دانش‌آموزان می‌دهند، بر اساس شبیه‌سازی با واقعیت است. گاهی شبیه‌سازی عالی‌ترین روش آماده شدن برای امتحان است. به این صورت که شاگرد خود را به جای معلم می‌گذارد و به این فکر می‌افتد که در امتحان چه سوالاتی بدهد.